

خبر

ملاقات با اکبر زنجانیور در بستر بیماری

«عروسی مرگ» را به چشم دیدم

فریبرز دارابی



اکبر زنجانیور هنرمندی است که وقتی نامش شنیده می‌شود؛ تصویر مردی با اقتدار در ذهن شکل می‌گیرد که ۵۰ سال از عمر و زندگی خود را در تئاتر سپری کرده است. هنرمندی که نقش‌آفرینی‌های او بر صحنه تئاتر هرگز فراموش نمی‌شوند و آثاری که به صحنه برده در تاریخ تئاتر ایران ثبت شده‌اند. تمام کسانی که از نزدیک بااین هنرمند که سابقه تئاتر آشنا هستند، می‌دانند که زنجانیور طی ۵۰ سال عمری که در هنر سپری کرده دغدغهٔ تئاتر دارد و قلبش برای تئاتر می‌تپد. اما این روزهای این هنرمند تأثیر گذار تئاتر، روزهایی است که در بستر بیماری سپری می‌شود.

ملاقات در منزل پس از یک عمل جراحی

خبر بستری شدن اکبر زنجانیور شوکه‌کننده بود. وقتی فرشاد هاشمی که در چند اثر اخیر کارگردانی شده توسط زنجانیور همراه وی بوده، درباره ماجرای بیماری، عمل جراحی و بستری شدن این هنرمند اطلاع داد، لحظه خوشایندی نبود. با همراهی هاشمی به منزل اکبر زنجانیور رفتیم که بعد از چند روز بستری شدن در بیمارستان، این خانه بستری شده است. برای حفظ حرمت این هنرمند شناخته شده، تمایلی به ثبت تصاویر از لحظات بستری بودن او نداشتمیم و به همین خاطر بدون عکاس به ملاقاتش رفتیم. اعضای خانواده با گرمی و مصمیمت استقبال‌مان کردند. در بخش‌های مختلف خانه عکس‌های اکبر زنجانیور به دیوار بود؛ عکس‌هایی که با نگاه به آن‌ها می‌توان به نوعی سیر زندگی هنری این هنرمند تئاتر را در گذر زمان دید. به اتاقی که کارگردان نمایش‌های «گوریل پنمالو»، «دشمن مردم» و «سیر طولانی روز در شب» در آن بستری است، رفتیم.

دین‌کن زنجانیور در بستر بیماری لحظه خوشایندی نیست اما اینکه لحظات خطرناکی را پشت سر گذاشته و با عشق به زندگی و تئاتر مراحل درمان را سپری می‌کند، خوشحال‌مان می‌کند.

روایت هنرمند از تجربه یک بیماری سخت

با همان صدای گیرا و تأثیرگذار همیشه‌گی پذیرایمان می‌شود و از لحناتی می‌گوید که بر اثر بیماری تجربه کرده است.

ماجرا از روز مراسم تشییع پیکر استاد ولی الله شیراندانی شروع شده است؛ مراسمی که اکبر زنجانیور برای وداع با یکی از دوستان و هنرمندان قدیمی و شریف تئاتر حضور پیدا کرده بود.

وقتی به منزل رسیده شرایط جسمانی خوبی نداشته و وقتی در آینه به خود نگاه می‌کند با چهره‌ای متورم مواجه می‌شود و درد سراسر وجودش را فرا می‌گیرد؛ درد به حدی است که تحمل کردنش فراتر می‌توان است و لحناتی را تجربه می‌کند که وقتی از یادها می‌کند این جمله را به زبان می‌آورد: «عروس مرگ را به چشم دیدم».

اوزرآسان مقابل منزل زنجانیور می‌رسد و او که درد سراسر وجودش را فرا گرفته تنها چیزی که می‌شوند این است که خواهرزاده‌اش می‌گوید: «پایه دایی را به بیمارستان نیکان ببریم».

در تمام لحناتی که ماجرای بیماری و رسیدن به بیمارستان را تعریف می‌کند، در نگاهش می‌توان درد و شرایطی که به تجربه کرده دید.

در بیمارستان از او و خانواده‌اش می‌خواهند که رضایت دهند تا تحت عمل جراحی قرار گیرد زیرا ماجرای مرگ و زندگی در میان است و زنجانیور به عشق خانواده و تئاتر رضایتنامه را امضا می‌کند و خود را به تیغ جراحی می‌سپارد. عمل جراحی سخت است ولی خوشبختانه با موفقیت انجام می‌شود. لحظات بستری بودن در بیمارستان برای زنجانیور تجربه‌ای دیگر را به همراه دارد، آشنایی با مردی که به عنوان یکی از پرستاران بیمارستان رفتار و منشی فرشته‌وار دارد؛ مردی که حتی در زمانی که این هنرمند در منزل بستری است نیز مسئولیت انسانی خود را رها نکرده و مدام پیگیر است تا زنجانیور دوران درمان بهبودی را به بهترین شکل ممکن طی کند. «وحید بیدی» نام این پرستار است که اکبر زنجانیور در بخشی از سخنان خود با تأکید از او نام می‌برد و درباره‌اش می‌گوید: «حجتی که از این مرد دیدم طی سال‌های حضور خود در تئاتر، ندیدم».

مردی که قلبش برای «تئاتر» می‌تپد

نکته قابل توجه و تحسین‌برانگیز در این دیدار، توجه و تفکر زنجانیور نسبت به تئاتر حتی در بستر بیماری است. در تمام لحظات و حتی در میان روایت خود از اتفاقاتی که برایش طی چند روز گذشته رخ داده، گریزی به تئاتر نمی‌زند و آن تئاتر می‌گوید. فکر و ذکرش کار کردن در تئاتر است و نمایش به صحنه بردن.

وی از سختی‌هایی می‌گوید که طی ۵۰ سال در تئاتر ایران کشیده است؛ از نقد مثبتی می‌گوید که احمد شاملو بعد از دیدن اولین بازی‌اش نوشته و گفته بود: «آقایان سنگلج نشین، مواظب باشید، یک برلیان پا بر صحنه تئاتر گذاشته است.» و این «برلیان» حالا خاطرات تلخی از بی‌توجهی «هدیران تئاتر» در حافظه‌اش دارد.

در میان مرور شرایطی سختی که در تئاتر متحمل شده، البته از شهرام کرمی مدیرکل این روزهای «هنرهای نمایشی ارشاد»، به عنوان مدتی مثبت یاد می‌کند. گفتگو با اکبر زنجانیور همیشه لذتبخش است اما این بار وقتی می‌بینیم که در میان سخن گفتن، درد را هم تحمل می‌کند، ترجیح می‌دهیم که کمتر مزاحمش باشیم. کمی در کنار بستر زنجانیور می‌نشینیم و با وجود اینکه میل به ماندن‌مان بیشتر است، از او خداحافظی می‌کنیم تا استراحت کند. بعد از خداحافظی از خانواده زنجانیور به سمت خروجی منزل می‌رویم در حالی که آن جام را ترک می‌کنیم؛ دیالوگ دکتر استوکمان از نمایش «دشمن مردم» در ذهن نقش می‌بندد، آنجا که زنجانیور در نقش این شخصیت از اثر درخشان هنریک ایبسن می‌گوید: «قوی‌ترین فرد عالم کسی است که از همه تنهاتر است.»

●●●●●

چارلز پور تیس خالق «شهامت واقعی» در گذشت

بخش فرهنگی – چارلز پورتیس خالق رمان «شهامت واقعی» که دستمایه ساخت یکی از وسترن‌های مشهور هالیوود شد، در ۸۶ سالگی از دنیا رفت. چارلز پورتیس نویسنده‌ای محبوب و البته فراری از شهرت بود، به گونه‌ای که او را نویسنده بزرگ ناشناخته می‌نامیدند. نخستین رمان مشهور این نویسنده «وروود» است که داستان فردی به نام نوروود پرت را روایت می‌کند. پورتیس دو سال بعد رمان «شهامت واقعی» را نوشت. «شهامت واقعی» نخست در سال ۱۹۶۹ با بازی جان وین تبدیل به یک فیلم سینمایی شد. جان وین برای بازی در آن فیلم برنده جایزه اسکار هم شد. البته این پایان کار سینما با «شهامت واقعی» نبود و سال ۲۰۱۰ برادران کوئن فیلمی با اقتباس از این رمان ساختند و نقش اصلی‌ش را به جف بریجز سپردند.

{فرهنگ و هنر }

وای از آن روز که دروغ به خانه ملت برسد

هیچ‌کس طعم ایمان را نمی‌چشد، مگر آنکه دروغ را ترک کند – امام علی (ع)

بخش فرهنگی – در آستانه انتخابات مجلس شورای اسلامی قرار داریم. نامزدهای انتخابات سعی دارند خود را به بهترین شکل ممکن معرفی کنند، بلکه بتوانند گوی سبقت را از رقیبان خود برای خدمت به مردم برپایند. اما گاه در این مسیر به بیان حرف‌هایی مبادرت می‌ورزند که هیچ‌گاه محقق نمی‌شوند. بیان این‌گونه سخنان وعده‌ها در بسیاری موارد از سر ناآگاهی از امور و نابلدی واقع می‌شود؛ اما وای از آن روزی که وعده‌های پوшالی، عمدا و صرفا برای کسب رای حاصل از فریب افراد ابراز شوند.

به گزارش ایسنا، طبق قانون، نامزدهای انتخابات مجلس حق و فرصت تبلیغ دارند تا با معرفی دانش، توانایی و تجربه مدیریتی خود، همشهریان را به دادن رای مثبت قانع کنند و بتوانند برای یک دوره چهار ساله رافع بهارستان شوند. در این میان اما متأسفانه تعدادی از نامزدها، آن چنان‌که باید و شاید صادق نبوده‌اند.

در سخنرانی‌های پیش از انتخابات که در محافل مختلف توسط هواداران، اقوام و نزدیکان و آشنایان نامزدها بعضا با صرف هزینه‌های کلان ترتیب داده می‌شود، گاه شعارهایی سر داده می‌شود که به دلیل غیر علمی و غیر عملیاتی بودن، از مصادیق خلاف واقع گویی به‌شمار می‌آید. در مجموع در بیان خوبی و نیکی‌ها، به حدی غلو می‌شود که مجبور می‌شوند زبان به دروغ گشایند. این افراد در صورت راهیابی به مجلس، در حقیقت با ایزاری نامشروع، ضد فرهنگ و غیر قانونی به آن جایگاه رسیده‌اند که خود به خود این پرسش را به‌وجود می‌آورد که قوهی نظارتی در این مسیر چگونه به وظایف خود عمل خواهد کرد؟ اما ناراحت‌کننده‌تر آن است که انتخاب چنین افرادی به عنوان نماینده مردم، آغاز روندی است که طبق باورهای فرهنگی و ضرب‌المثل‌های قدیمی، تکرار دروغ را در پی می‌آورد. انتخابات مجلس یازدهم در یک قدمی است. مجلس شورای اسلامی که تا قبل از انقلاب، با نام مجلس شورای ملی شناخته می‌شد، باز هم در آستانه یک دور جدید قرار دارد. مجلس شورای اسلامی محور سیاست‌گذاری‌ها، قانون‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها است و از مهم‌ترین وظایف آن، تصویب برنامه‌های توسعه به منظور ترسیم سیاست‌های کلان کشور است. همچنین مجلس طبق قانون اساسی باید در رأس امور کشور باشد و بر عملکرد دستگاه‌های دیگر از جمله قوه مجریه نظارت دقیق داشته باشد.

در این صورت است که مجلس مظهر اراده ملت و ضامن دموکراسی می‌شود. دموکراسی که زمانی با عنوان مشروطیت و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در قالب جمهوریت نمود پیدا کرد. هر چند که هدف غایی دموکراسی در هر قالبی، حفظ حقوق مردم و خدمت به آنهاست که نماینده‌های مجلس باید آن را محقق کنند.

مرور تکالیف و وظایف مجلس مؤید حساسیت و اهمیت کار نمایندگان و موکد آن است که کسانی که بر کرسی نمایندگی تکیه می‌زنند و قرار است از رای ملت به عنوان ودیعه‌ای که به طور موقت در اختیار آنها گذاشته شده است، پاسداری کنند، باید برخوردار از روحیه و ویژگی‌هایی باشند که تضمین‌کننده اجرای آن وظایف است.

طبق قانون اساسی، «نماینده‌ها باید در انجام وظایف خود، وکالت، امانت و تقوا را رعایت کنند». کلید همه اینها، «صداقت» و پرهیز از «دروغ» است. «دروغ» از مهم‌ترین رذیلت‌های اخلاقی است که در نگاه اسلامی از آن به عنوان مادر گناهان یاد می‌شود. بر اساس مقاله «مفهوم‌شناسی دروغ از نگاه اندیشمندان مسلمان و غربی»، این رذیله، منشکل از سه مؤلفه است: «ول اینکه: خطایی گفته شود. دوم: گوینده از خطا بودن جمله مطلع باشد و سوم: گوینده قصد فریب دادن مخاطب را داشته باشد و به او اطمینان بدهد که گفته‌اش راست است.»

با این تعریف، دروغ‌گو کسی است که تعاریف، نام‌ها و کلمات معتبر را به کار می‌گیرد تا آنچه را که غیر واقعی است امری واقعی جلوه دهد.

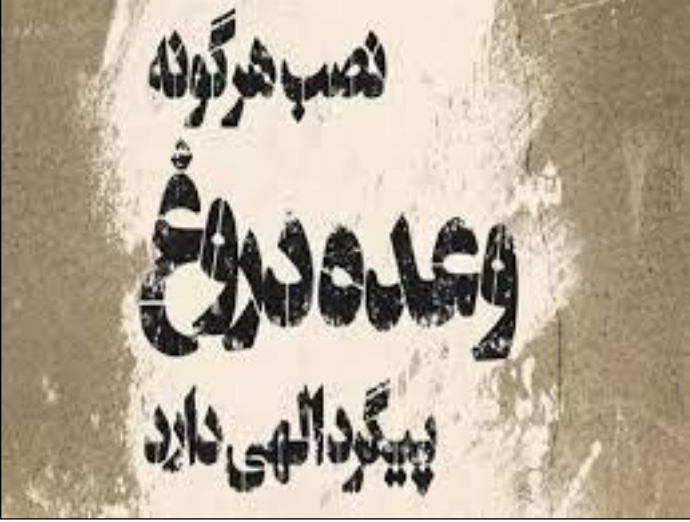
دروغ‌گویی طغیان علیه خداست

از آنجا که مجلس در کشور ما با صفت اسلامیت ترکیب شده و در قانون اساسی به ضرورت اعتقاد و التزام عملی نماینده‌های مجلس به اسلام تأکید شده است، مرور دروغ از منظر اسلام و قرآن واجب به نظر می‌رسد. احادیث معتبر و موقفی از پیامبر اسلام (ص) در تحسین صداقت و تقبیح دروغ‌گویی وجود دارد. دلخوری، عصبانیت و بی‌اعتنایی حضرت محمد (ص)، به کسانی که دروغ می‌گفتند، مورد تأکید روایات است و گفته می‌شود که ایشان ناراحتی خود را از دروغ‌گویی نشان می‌داد تا آن فرد توبه کند.

دروغ و ایمان با هم جمع نمی‌شوند

معروف‌ترین حدیث پیامبر اکرم (ص) در این باره آن است که «مؤمن ممکن است به هر گناهی مرتکب شود اما ممکن نیست به دروغ و خیانت خو بگیرد». با این حدیثی، هر کسی که به دروغگویی خو گرفته باشد، از دایره ایمان و اسلام بیرون است. در تأیید همین موضوع، بنا به گفته مصطفی دلشاد تهرانی – از استادان علوم حدیث– در منطلق قرآن، دروغ (کذابان/بهاستاز) ایمان است. یعنی دروغ و ایمان با هم جمع نمی‌شوند. وقتی دروغ پیدا شود، ایمان می‌رود. حضرت علی بن ابیطالب(ع)، به عنوان مبدا جریان فکری تشیع، دروغ را حتی برای حکومتداری اسلامی جایز ندانستند و در عمل به همین اصل پایبند ماندند و شاید معروف‌ترین جمله در رد دروغ از ایشان است که فرمودند: «هیچ‌کس طعم ایمان را نمی‌چشد، مگر آنکه دروغ را اعم از شوخی و جدی ترک کند».

بدون هیچ اختلافی می‌بینیم که اسلام و تشیع دروغ را مردود اعلام می‌کند و بنا به منشی پیامبر (ص) و امام علی (ع) حتی برای اهداف و آرمان‌های دینی هم نباید دروغ گفت و دغل کرد. مگر آنکه به قول مرحوم قانع‌راد، دین را به مثابه قدرت در نظر بگیریم که در این شرایط



هم به ظاهر دین قدرت گرفته اما در حقیقت قدرت در اختیار اشخاص و منفعت افراد است.

دروغ قانون را می‌کشد

کانت به عنوان یکی از فیلسوفان عصر روشنگری، با اشاره به اینکه دروغ، گفتن تعمدی جمله‌ای نادرست به دیگری است، مطلق دروغ را منفی دانسته و آن را مذموم می‌شمرد. بنا به گفته محمد لگنهاوزن در مقاله «راستگویی در فلسفه اخلاق»، کانت دروغ‌گویی را لطمه به آبروی فرد دروغگو و مضر برای بشریت می‌داند. چون معتقد است دروغ، قانون را تباه می‌کند. حال افرادی که با رای مردم برای حفظ

و صیانت از حریم قانون اساسی تعیین می‌شوند، با دروغ‌هایشان ضمن فریب مردم قانون را به زعم کانت به تباهی و فقهرا می‌کشند. **هرآنکس که او پیشه بگیرد دروغ / ستمکاره‌ای خوانمش بی‌فروغ**
در ادبیات فارسی نیز گزاره‌های بسیاری یافت می‌شود که انسان را از دروغ‌گویی برحذر می‌دارند. برای مثال فردوسی در شاهنامه به فراخور قصه‌ها و افسانه‌های مختلف، پادشاهان را از دروغ نهی می‌کند و می‌گوید: «زبان را مگردان به گرد دروغ / چو خواهی که تاج از تو گیرد فروغ» یا «هرآنکس که او پیشه گیرد دروغ / ستمکاره‌ای خوانمش بی‌فروغ» یا «اگر جفت گردد زبان بر دروغ / نگیرد ز بخت سپهری فروغ» و …

اما چرا با وجود احکام دینی و توصیه‌های ادبی و اخلاقی در تقبیح دروغ، باز هم شاهد دروغ در مراوده‌های مختلف پویژه درعرصه سیاست هستیم؟

شاید نقطه کور در زشت‌شماری دروغ، ظهور مفهوم پرابهام، پیچیده و پرتفسیر «دروغ مصلحتی» است. دروغ مصلحتی شاید تبصره‌ای بر حکم ممنوعیت دروغ است که برای خروج از مطلق بودن دروغ در فرهنگ دینی و ایرانی ما ظهور کرده است. با وجود همه بحث و اظهارنظرها در شرط و شروط دروغ مصلحتی، هنوز معیار دقیق و مشخصی برای شناسایی انواع دروغ‌های مصلحتی یا سودمند برای عموم وجود ندارد و امروزه شاهدیم که دروغ مصلحتی در ارکان مختلف اجتماع از خانواده گرفته تا مدرسه‌ها، دانشگاه‌ها و ادارات جریان دارد اما به‌قطع گسترده‌ترین عرصه دروغ گویی، عرصه سیاست است.

دروغ در عالم سیاست

شاید در این موقعیت، پرکارترین جمله‌ای که به ذهن برسد، این است که دروغ بخش جدایی‌ناپذیر از سیاست است. بر اساس این دیدگاه، دروغ سیاسیون به نفع عموم مردم است و با هدف سودرسانی به ملت انجام می‌شود.

بر فرض که دروغ گفتن به مردم در موارد معدود، در کوتاه‌مدتی مفید و سودمند یا در شرایط بحرانی مثل جنگ قابل توجهی باشد و از بروز هراس و ناامیدی جلوگیری کند اما در درازمدت اثرات مخربی خواهد داشت که جبران آن تقریباً ناممکن است. بی‌اعتمادی و شک کردن به صداقت سیاستمدار از جمله پیامدهای دروغ مصلحتی در عرصه سیاست است که به دنبال آن قطعاً مشارکت در امور کشور دچار اختلال می‌شود. البته مثال و مصداق‌های بسیاری وجود دارد که ثابت می‌کند دروغ‌گویی در عالم سیاست نه برای نفع مردم، بلکه برای حفظ جایگاه خود در قدرت، پوشاندن ضعف مدیریتی و سرپوش گذاشتن بر دروغ‌های گذشته است.

از دروغ زبانی تا دروغ نهادی

البته دروغ گفتن فقط زبانی نیست؛ گاه ناکارآمدی، ناتوانی و بی‌مسئولیتی در قبال تکالیف و وظایف منجر به ترویج دروغ در جامعه و عادی‌سازی آن در فرهنگ می‌شود. برای تبیین این موضوع شاید بتوانیم ایده مرحوم امین قانع‌راد را مطرح کنیم که چند سال پیش به عنوان یک جامعه‌شناس مفهوم دروغ نهادی را پیش کشید و در این باره توضیح داد که برخی نهادها مثل بانک‌ها از جمله نهادهایی هستند که با عملکردشان باعث ترویج دروغ نهادی شده‌اند.

بنابراین لازم است نقش مجلس را علاوه بر اینکه در زمینه ترویج دروغ زبانی در جامعه بررسی می‌کنیم؛ در حوزه دروغ نهادی نیز ردیابی کنیم. چون بی‌شک نماینده‌ای که نتوانسته بعد از یک یا چند دوره به شعراها و وعده‌های انتخاباتی‌اش جامه عمل بپوشاند و نماینده‌ای که به جای صیانت از حریم و حرمت قانون با عملکردش آن را به تباهی کشانده است، علاوه بر دروغ زبانی در ترویج دروغ نهادی در جامعه نیز مقصر بوده است.

ناگفته پیداست که ما در ایران در حاکمیتی دینی زیست می‌کنیم و فرق حکومت دینی با حکومت غیر دینی در آن است که اولی، مسئولیت اخلاقی و فرهنگ ملت را هم برعهده دارد. با این اوصاف در مجلسی که باید در رأس امور باشد و بر همه نهادها نظارت کند، دروغ نماینده‌های مجلس چه تاثیری در اخلاقیات جامعه می‌گذارد؟

شاید برخی معتقد باشند که در موقعیت‌های سیاسی دروغ گفتن به مردم جایز است و این دروغ مصلحتی است اما نمی‌توان راه ذهن را بر این سئوال‌ات بست که چه کسی معیار این مصلحتی بودن است؟ چه کسی مشخص می‌کند که نفع عمومی در آن دروغ نهفته نه نفع شخصی یا حزبی؟ نه قدرت طلبی؟ نه تلاش برای حفظ میز و کرسی نمایندگی. چه کسی تضمین می‌دهد که دروغ برای پوشاندن ضعف مدیریتی نبوده است؟ چه کسی ضمانت می‌دهد که دروغ به نفع مردم بوده است؟ و چه کسی مرجع تشخیص مصلحتی بودن دروغ است؟

هر به حال از بد روزگار، فراوانی این معضل در جامعه ما و پویژه در بین سیاسیون و به طور خاص نمایندگان مجلس، نشان می‌دهد که دروغ از یک رذیلت اخلاقی به یک بیماری فرهنگی و اجتماعی تبدیل شده است. بیماری‌ای که تب درونی، رایا، فریبکاری و تقلب را حسایی داغ می‌کند. از بد روزگار، دروغ‌گویی عادی شده و فراموش کرده‌ایم که دین اسلام و فرهنگ و ادب ایران مخالف قطعی دروغ است و این دروغ‌ها تیشه به ریشه اعتماد مردم می‌زند. انگیزه مردم را برای شرکت در امور مختلف اجتماعی مثل انتخابات به حداقل می‌رساند.

تئاتر بی‌حامی امروز

هوشمند – مهدی و ناصر هاشمی – سرویس گرجستانی – هومن سیدی – نادره – بهنام تشکر – میلاد کی‌مرام و ده‌ها نفر دیگر از چهره‌های تئاتر و هنرهای نمایشی کشور هستند که از تئاتر گیلان برآمده و رشد کرده و گذشته و حال در سطح ملی فعال بوده‌اند.

با همه این‌ها مع‌الاسف این هنر اصیل که می‌تواند فرهنگ ما را از خودگی خارج و زمینه رشد هنرهای نمایشی دیگر را نیز فراهم کند همچنان مورد بی‌توجهی مسوولین فرهنگی و نهادهای عمومی و خصوصی است.

اما هنرمندان گیلانی از پای ننشسته و با همه کمبودها و عدم حمایت‌ها همچنان در عرصه این هنر فعال هستند و نمونه این فعالیت‌ها در سال ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۷، شامل ۲۶ نمایش تئاتر اجرا شده در گیلان است که به‌وسیله دو نفر اهل درد همیته رشته (آقایان محمود و علیرضا طیباری) در کتابی مورد نقد قرار گرفته و این نقدها در ۱۵۰ صفحه تحت عنوان «تئاتر

بی‌حامی امروز» منتشر شده است. کتاب به‌وسیله چاپ توکل و انتشارات سماز رشت و به قیمت سی هزار تومان منتشر شده است.

کتاب در دو دفتر تنظیم و در دفتر اول شامل هیجده یادداشت آقای علیرضا طیباری است در حالی‌که در دوم شامل هشت یادداشت تئاتری است بین سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۹۷ که به‌وسیله آقای محمود طیباری نوشته شده است.

مطالعه نقدهای تئاتری این کتاب را به علاقه‌مندان به هنر تئاتر و همه اهالی فرهنگ توصیه می‌کنیم.

چهارشنبه ۳۰ بهمن ۱۳۹۸

خبر

درخواست بازیگر «وارش»

از نمایندگان مجلس

بخش فرهنگی – باشگاه خبرنگاران جوان نوشت: نیلوفر شهیدی از انتظارات خود از نمایندگان مردم در خانه ملت به عنوان یک هنرمند گفت. نیلوفر شهیدی بازیگر سینما و تلویزیون، در خصوص انتظاراتش از نمایندگان آتی مجلس شورای اسلامی گفت: واقعا دغدغه نماینده‌های مجلس باید مردم باشد؛ آنها باید مشکلات مردم را حل کنند. آنها هستند که برای مردم تصمیم می‌گیرند، پس باید تصمیم درستی بگیرند، نه اینکه حرف هایشان فقط در حد شعار باشند و وقتی وارد مجلس شدند مردم را یادشان برود. بازیگر سریال «وارش» افزود: در عرصه هنر هم از نمایندگان ملت می‌خواهم، اجازه دهند فیلمسازان خوب کشور آزادانه کار کنند. هنرمند باید بتواند آزادانه فکر کند تا تأثیرش در جامعه دیده شود. فرهنگ سازی از طریق هنر و رسانه‌ها تأثیر گذارترین اتفاقی است که می‌تواند بیفتد.

●●●●●

واکنش بازیگر «پایتخت»

به عکسی که از عروسی رحمت

پخش شد

بخش فرهنگی – تصویری از عروسی رحمت در فصل ششم «پایتخت» منتشر شده که هومن حاجی‌عبدللهی در واکنش به آن گفت: مردم ببینند که عروسی هست یا نیست؛ نه تأیید می‌کنم و نه تکذیب می‌کنم.

هومن حاجی‌عبدللهی در واکنش به تصویر پخش‌شده از عروسی رحمت در سریال «پایتخت ۶» گفت: مردم ببینند که عروسی هست یا نیست! واقعا نمی‌توانم بگویم و خوب است که ببینند خودش ببیند؛ نه تأیید می‌کنم و نه تکذیب می‌کنم.

او این روزها کمتر مجری و صدابیشه تلویزیون می‌شود و هومن حاجی‌عبدللهی را بیشتر در لباس بازیگری می‌بینیم. بعد از «چند می‌گیری گریه کنی» در سینما، «ختاپوس»، «کنیس»، «پیشونی سفید ۲ و ۳» و «سامورایی در برلین» را در کارنامه خود دارد و فارغ از «پایتخت» در سریال‌های «قا و خاتم سنگی»، «بیمار استاندارد»، «علی‌البدل» و «نون‌خ» هم حضور داشته است.

شاید صدای حاجی‌عبدللهی در کاراکتر «پنگول» برای مردم آشنا باشد اما او در نقش «باب اسفنجی»، «شیرک»، «سنباج باغ‌وحش» و حتی مدتی صدابیشه عروسک برنامه «خندوانه» بود.

این روزها فاصله حضور او در پلاتوی از اجرا و صدابپشیگی بسیار زیاد شده و بسیاری این سؤال را دارند؛ چرا هومن حاجی‌عبدللهی دیگر در تلویزیون مجری نمی‌شود؟

وی درباره روزهای فیلمبرداری سریال «پایتخت» افزود: این روزها مشغول فیلمبرداری‌ام و سعی می‌کنیم تا پایان اسفندماه تصویربرداری تمام شود. دوری از خانواده و دیگر مشکلات را به جان می‌خریم که مردم در عید نوروز فضای جذاب و جالب توجهی را تجربه کنند. انقدر «پایتخت ۶» کار خوب و متنوعی باشد که مردم لذت ببرند.

حاجی‌عبدللهی تأکید کرد: من هیچ کاری ندارم به غیر از اینکه فصل ششم سریال «پایتخت» تمام شود. مردم منتظر «پایتخت» فوق‌العاده جذاب و خنده‌داری باشند.

هومن حاجی‌عبدللهی با اشاره به اینکه «حمت» همچنان در «پایتخت ۶» به فعالیت خود ادامه می‌دهد، گفت: فعلا از جزئیات فصل جدید خبر ندارم ولی منتظریم تا پاییز کار پیش‌تولید و تولید به جریان بیفتد.

وی با اعلام اینکه «قصد ندارم دیگر مجری تلویزیون باشم»، تأکید کرد: آن موقع که اجرای تلویزیونی و صدابپشیگی می‌کردم هر از چندگاهی سعی کردم سری به بازیگری بزنم، ولی از زمان دیگری قرار گذاشتم کار دیگری نکنم و فقط بازیگری انجام دهم، در نتیجه به صحنه اجرا در تلویزیون باز نخواهم گتم.

وی در پاسخ به این سؤال که چرا آن‌قدر مردم منتظر سریالی مثل «پایتخت» می‌مانند، افزود: کنار همه فاکتورهایی که یک سریال، دلچسب و پذیر می‌شود نمایش مصمیمت رفتار و گفتار و توجه به سبک زندگی ایرانی است. «پایتخت» تصویر درستی از خود ما ایرانی‌هاست، به همین‌خاطر به دل مردم نشست و منتظرند فصل‌های جدید آن را ببینند. واقعا کمتر اثری مثل «پایتخت» جذب‌شان می‌کند.

●●●●●

سریال طنز تلویزیون که همزمان

با پخش، تولیدش ادامه دارد

بخش فرهنگی – تهیه‌کننده «میان‌بر» گفت: تولید این سریال همزمان با پخش آن از شبکه پنج ادامه دارد و تاکنون ۱۲ قسمت آن تصویربرداری شده است.

محمد صالحیان تهیه‌کننده سریال «میان‌بر» با بیان اینکه تصویربرداری این سریال تا پایان سال ادامه دارد، توضیح داد: «میان بر» یک مجموعه ۹۰ قسمتی است که در فاز نخست ۳۰ قسمت از آن تولید و برای پخش از شبکه پنج سیما و شبکه تلویزیونی شما در نظر گرفته شده است.

وی ادامه داد: محور اصلی مجموعه انتخاب صحیح در موضوعات مختلف و مراحل گوناگون زندگی از جمله انتخاب همسر، انتخاب شغل و … است. موضوع این سریال در قالب داستان‌هایی که برای چند خانواده ساکن در یک آپارتمان رخ می‌دهد روایت خواهد شد.

صالحیان با اشاره بازیگران سریال طنز «میان بر» گفت: غلامرضا نیکخواه، کمند امیر سلیمانی، محمود جعفری، سیاوش چراغی پور، شهین تسلیمی، حمید نیک نبرد، ارش نوردی، اشکان اشتیاق، امیر نوری و مرضیه صدراپی بازیگران این مجموعه هستند.

صالحیان با اشاره به تیم نویسندگی «میان بر» گفت: طراح سریال حمید بزرگ است و تیما حسن‌نیا، بیمان جزینی، شاهرخ باقری‌نژاد، داریوش رعیت، داود روستا و سیاوش چراغی‌نیا تیم نویسندگان هستند.

صالحیان با اشاره تولید همزمان با پخش این سریال یادآور شد: یکی از امتیازات خوب این سریال است که همزمان با پخش و تولید از بازخورد نظرات مخاطبان پیرامون آن مطلع می‌شویم که این موضوع برای تولید فصل‌های بعدی سریال بسیار مفید و تأثیر گذار است.
بنابر این گزارش سریال طنز «میان‌بر» به تهیه‌کنندگی محمد صالحیان و کارگردانی امیر فتوحی کاری از صدا و سمای مرکز البرز است که هر شب ساعت ۲۳ (شنبه تا چهارشنبه) از شبکه پنج سیما پخش می‌شود و تکرار آن ۲:۳۰ بامداد و ۱۰:۳۰ خواهد بود.